

تاریخچه و پیشینه علوم انسانی اسلامی در ایران بعد از انقلاب اسلامی

محمدعلی رضائی^۱
کامران حمائی^۲

چکیده

به دلیل ماهیت اسلامی بودن انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، موضوع اسلامی سازی علوم انسانی در اوایل انقلاب و سالهای بعد از آن از سوی رهبران انقلاب اسلامی برجسته شد. **هدف:** هدف این پژوهش، بررسی تاریخچه و پیشینه علوم انسانی اسلامی بعد از انقلاب اسلامی و همچنین بررسی تلاشهای صورت گرفته در زمینه علم دینی در این برهه زمانی بوده است. **روش:** روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. **یافته‌ها:** در سالهای بعد از انقلاب اسلامی، نهادهای بسیاری در کشور تشکیل شده‌اند که علوم انسانی با آموزه‌های اسلامی منطبق شود. از جمله آنها، نهادهای تأثیرگذار حوزه و دانشگاه بوده‌اند که تلاشهایی را برای تطبیق محتوای دروس دانشگاهها با آموزه‌های اسلامی انجام داده‌اند که البته این تلاش‌ها به صورت ریشه‌ای تأثیرگذار نبوده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های زیادی که در زمینه اسلامی سازی علوم انسانی در کشورمان بعد از انقلاب انجام شده است و نهادهای زیادی در این راستا تاسیس شده‌اند اما این تلاشها انتظارات رهبر معظم انقلاب را برآورده نکرده است.

واژگان کلیدی: علم مدرن، علوم انسانی اسلامی، تاریخچه، امام خمینی (ره).

◇ دریافت مقاله: ۹۲/۰۳/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۲/۰۸/۲۰

۱. دکترای فلسفه اسلامی و فلسفه تطبیقی؛ استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع) (مرکز علوم انسانی اسلامی)
۲. دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) // آدرس: بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس، گروه تاریخ / [Email: kamranhamani@yahoo.com](mailto:kamranhamani@yahoo.com)

الف) مقدمه

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که انقلاب اسلامی ایران، صرفاً یک انقلاب سیاسی نبود که تنها در پی ایجاد تغییر در ساختار سیاسی حاکم بر جامعه ایران باشد، بلکه این انقلاب اجتماعی بزرگ که از عمق تاریخی و فرهنگی تفکر اسلامی شیعی برخاست، غایات و مقاصد فراگیر و چند ساحتی‌ای را دنبال می‌کرد و از جمله، ایجاد دگرگونی بنیادی در نظم فرهنگی و فکری جامعه ایران. سخن گفتن از تولید علوم انسانی اسلامی نباید تفسیر و تلقی ناصوابی از آن را در ذهن مخاطب رقم بزند. در واقع؛ این پروژه معرفتی، در امتداد گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد و می‌باید یکی از اهداف و رسالتهای ذاتی آن انگاشته شود.

پس از به فرجام نرسیدن پروژه انقلاب فرهنگی در عرصه تولید علوم انسانی اسلامی در سالهای اولیه پیروزی انقلاب، این مقوله تعیین‌کننده و زیربنایی، بنا به دلایل مختلف، کمتر مورد توجه قرار گرفت. از این رو، به تدریج حساسیتهای ایدئولوژیک نسبت به «علوم انسانی سکولار» کاهش یافت و با گسترش کمی آموزش عالی در ایران، مضامین و درون‌مایه‌های این علوم نیز در ذهنیت بسیاری از دانشجویان و اساتید و روشنفکران و مدیران رسوب کرد و به فرجه شدن طبقه متجدد و دگر اندیش در جامعه ایران منجر شد. این روند ادامه داشت تا اینکه در سالهای اخیر، مقام معظم رهبری دوباره بر ضرورت تولید «علوم انسانی اسلامی» انگشت تأکید نهادند و نسبت به مخاطرات و تهدیدهای فکری و فرهنگی ناشی از پایه‌ها و نظریه‌های موجود در «علوم انسانی سکولاریستی» برخاسته از غرب متجدد، هشدار آشکار و عمومی دادند.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو سؤال ذیل است:

۱. روند شکل‌گیری بحثهای مربوط به اسلامی‌سازی علوم انسانی در ایران بعد از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟
۲. اقدامات نهادهای متولی عرصه علوم انسانی اسلامی بعد از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

فرضیه‌هایی که برای سؤالات پیش‌گفته مطرح است عبارتند از:

- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به دستور حضرت امام خمینی (ره)، دانشگاه‌ها به منظور بازنگری در محتوای دروس دانشگاهی تعطیل شد. فرمان حضرت امام خمینی (ره)

تاریخچه و پیشینه علوم انسانی اسلامی در ایران بعد از انقلاب اسلامی ۷

نقطه آغازی بر بومی سازی و اسلامی سازی دانشگاهها بود؛ چرا که ایشان علوم انسانی موجود را علومی غربی می دانستند و در سالهای بعد نیز مقام معظم رهبری انگشت تأکید بر این مسئله نهادند.

- بعد از انقلاب اسلامی، نهادهای متولی علوم انسانی اسلامی، تلاشهای زیادی در زمینه اسلامی سازی علوم انسانی، از جمله انتشار کتابهای مرتبط با این حوزه، تربیت اساتید و ... انجام دادند؛ اما این تلاشها نتوانست نتایج رضایت بخشی را در زمینه تولید علوم انسانی اسلامی به بار آورد.

ب) تاریخچه بازنگری در علوم انسانی در ایران بعد از انقلاب اسلامی

پیام مهم انقلاب اسلامی، نجات انسان است که ریشه در مکتب اسلام دارد. به طور کلی ادیان آسمانی برای نجات انسان از بندگی غیر خدا آمده اند؛ زیرا انسانیت انسان را در بندگی خدا می دانند.

با شکل گیری حکومت اسلامی و احیای اسلام ناب محمدی (ص) به وسیله بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، این نظریه که «دین اسلام می تواند با استفاده از منابع غنی و اصول مترقی خود پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد» مطرح و تقویت شد؛ در حالی که دنیای غیر دینی امروز، به ویژه غرب، چنین شأنی را تنها برای علم، به ویژه علوم انسانی، قائل بوده و سرنوشت انسان را یکجا به علم سپرده است.

از سوی دیگر، علوم انسانی رایج از ابتدا در موطن اصلی خود با سؤالهای اساسی روبه رو بوده که امروزه نیز فیلسوفان علم، عهده دار بررسی و پاسخگویی بدانها هستند. آنان هنوز از پاسخگویی پرسشهای سنتی خود نیاسوده که با پرسشهای بنیادین دیگری از سوی فرهنگ و معرفت دینی روبه رو شده اند. از نظر گاهی دیگر می توان گفت، این محقق دیندار است که چون دل در گرو دین دارد و حقانیت و کمال آن را نه تنها با منطق عقلانی که با تجربه درونی و در صحنه عمل دریافته و از طرفی، دریافتهای مضبوط و روشمند خود و دیگر آدمیان را از حقایقی همچون جهان و انسان نیز انکار نمی توان کرد، با مجموعه ای از سؤالات بنیادین و تعیین کننده

روبه‌روست که تا پاسخی عمیق و مستحکم برای آنها نیابد، در اضطراب و تردید دائم به سر خواهد برد.

سال ۱۳۵۸ در ایران، ۲۶ دانشگاه، ۵۰ دانشسرا و ۱۶۸ مؤسسه آموزشی وجود داشت که در این مراکز در مجموع ۱۸۰ هزار دانشجو تحصیل می‌کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی، دانشگاهها بازگشایی شدند؛ اما عملاً دانشگاه در فضای انقلاب، محل فعالیتهای سیاسی شده بود. گروههای مختلف دانشجویی با گرایشهایی از مذهبی گرفته تا مارکسیستی، دفاتر و اتاقهای دانشگاهی را در اختیار تشکلهای دانشجویی وابسته به خود قرار داده بودند. در چنین شرایطی، دانشگاهها از کنترل خارج شده بودند. حضرت امام خمینی(ره) در پیام نوروزی خود در فروردین ۱۳۵۹ بر تصفیه دانشگاهها تأکید کردند.

نوروز سال ۱۳۵۹، حضرت امام خمینی(ره) مشوری مهم صادر کردند که متضمن دستورها و نکاتی درباره انقلاب بود. یکی از نکته‌های آن منشور این بود که در دانشگاهها باید تحول اساسی پدید آید. دانشجویان همین رهنمود حضرت امام را عملی کردند و دانشگاهها تعطیل و ستاد انقلاب فرهنگی برای ایجاد تحول آموزشی در دانشگاهها تأسیس شد.

حضرت امام خمینی(ره) بر دستیابی دانشگاهها به ذخایر علمی حوزه و استفاده از عالمان دینی تأکید تام ورزید. ستاد انقلاب فرهنگی، مسئولان علمی و فرهنگی کشور و برنامه‌ریزان دانشگاهها تلاش کردند و برای دستیابی علوم معهود حوزه‌ها، به حوزه روی آوردند و از آنها مدد جستند. وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت، در سال ۱۳۶۰ اظهار داشت: «برادران حوزه علمیه قول همکاری در مورد تربیت اساتید و برنامه‌ریزی‌های رشته علوم انسانی را داده‌اند و یقیناً در رشته علوم انسانی، هیچ برنامه‌ای قبل از تأیید حوزه علمیه به اجرا گذاشته نخواهد شد.» (کیهان، ۱۳۶۰)

از فروردین ۱۳۵۹ فعالیتهای دولت برای انقلاب فرهنگی شروع شد و در نهایت در ۱۵ خرداد، سال تحصیلی دانشگاهها به پایان رسید و فرصتی برای انقلاب فرهنگی فراهم آمد. در ۲۳ خرداد ۱۳۵۹ ستاد انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام خمینی(ره) تشکیل شد و ایشان وظایف ستاد را تربیت استاد و گزینش افراد شایسته برای تدریس در دانشگاهها و تغییر برنامه‌های آموزشی

تاریخچه و پیشینه علوم انسانی اسلامی در ایران بعد از انقلاب اسلامی ❖ ۹

دانشگاهها به صورتی که محصول کار آنها در خدمت مردم قرار گیرد، تعیین کردند. ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۳، به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تغییر نام داد و تشکیلاتش گسترده تر شد.

ستاد انقلاب فرهنگی مأموریت داشت تا بر اعمال ارزشهای اسلامی بر نظام آموزشی کشور نظارت کند. این ستاد، دروس دانشگاهی را به پنج گروه علوم انسانی، کشاورزی، مهندسی و تکنولوژی، پزشکی و علوم پایه تقسیم کرد که هر گروه زیر نظر یک گروه تخصصی اداره می شد.

در انقلاب فرهنگی، بیشترین کار در زمینه علوم انسانی انجام شد. مدافعان انقلاب فرهنگی معتقد بودند که رشته‌های علوم انسانی از فرهنگ غربی تأثیر پذیرفته‌اند و برای پاکسازی و اسلامی‌سازی آن، موضوعهای درسی، ابزارها و روشهای تحقیق این رشته باید اصلاح شوند. به همین منظور، «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» با نام اختصاری «سمت» در اسفند سال ۱۳۶۳ تأسیس شد. هدف این سازمان، دگرگونی بنیادی در دروسهای علوم انسانی دانشگاهها بود تا کتابهای دانشگاهی بر پایه دیدگاه اسلامی نوشته شود. سال ۱۳۸۸ «شورای تحول علوم انسانی» تأسیس شد. پیش از آن، در سال ۱۳۷۶، شورای عالی انقلاب فرهنگی «ستاد اسلامی شدن دانشگاهها» را تشکیل داده بود که اصول عمومی و اختصاصی دانشگاه اسلامی را تعریف می کرد و سیاستهای راهبردی و اجرایی در زمینه استاد، دانشجو، نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، متون و برنامه‌ریزی درسی، نظام برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و مدیریت آن را برای پیشبرد فرایند اسلامی شدن دانشگاهها معین می ساخت. (ارکان‌زاده یزدی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۴)

در ادامه مباحث ستاد انقلاب فرهنگی، موضوع علوم انسانی اسلامی مطرح و سمینارهای فراوانی در خصوص این موضوع گذاشته شد که البته نتیجه مناسبی اخذ نشد. حضرت امام(ره) به ستاد انقلاب فرهنگی توصیه فرمودند که برای اصلاح علوم انسانی به قم پناه ببرند که البته چندان طرفی بسته نشد. تلاشها و تکاپوهای بسیار دست‌اندرکاران آموزش عالی و مسئولان فرهنگی کشور، پاسخهای در حد انتظار نیافت و در قم نتیجه‌ای مناسب حاصل نشد. پس از رفتن و آمدهای بسیار به قم و جلسات متعدد با جامعه مدرسین و علمای حوزه، سلسله نشستهایی برگزار و مباحث مشترکی میان اساتید علوم انسانی در رشته‌های مختلف با علمای حوزه مطرح شد که به عنوان حاصل آن مباحث مشترک و نشستها، کتابهایی با عنوان معارف اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، اقتصاد اسلامی و ... منتشر شد که البته اقبال چندانی نیز در دانشگاهها نیافت.

مفهوم اسلامی کردن دانشگاهها و بعدها اسلامی کردن علوم انسانی و حتی بحث وحدت حوزه و دانشگاه، چندان روشن نبود و پس از بحثهای بسیار هم ابهامهای تازه‌ای ایجاد شد.

در واقع؛ گرفتاری‌های پس از پیروزی و کشمکش‌های اداره کشور پس از آن، مسائل نوینی را پدید آورد. اکثر روشنفکران مسلمان و تحصیل‌کردگان جدید که در جریان انقلاب با حوزه همراه و همفکر بودند و نیز نسل جدید دانشگاهی در تب و تاب گروهها و رقابتهای سیاسی گرفتار شدند. روحانیان مبارز نیز در پیچ و خم سیاست و اداره کشور بحران‌زده درگیر شدند. ارتباط و تماس مداوم آگاهان روحانی با دانشگاهیان، در گیرودار گرفتاری‌های سیاسی و جنگ به فراموشی سپرده شد. رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در دوران پیش از انقلاب نیز با نسل جدید تماس و الفت داشتند، پس از انقلاب و در دوران ریاست جمهوری خویش به عنوان امام جماعت مسجد دانشگاه تهران ارتباط خود را تا حدودی حفظ کردند و به سؤالات دانشجویان پاسخ می‌دادند. هم ایشان بر این نکته چنین اشارت کرده‌اند که: «گرفتاری‌های بعد از انقلاب، به من و بعضی همفکران من، فرصت اینکه به کارهای فکری باب دانشگاهها پردازیم، نداده و اگر گاهی یک سخنرانی یا جلسه بحثی اینجا و آنجا با دانشجویان داشتیم، این را نمی‌توان به حساب یک کار اصیل و اساسی گذاشت. قبل از انقلاب البته یک حرکتها و کارهایی می‌کردیم، حالا چقدر ارزش داشته باشد نمی‌دانم، ولی ما دلمان را خوش کرده بودیم که کار می‌کنیم و در رابطه با دانشجو و دانشگاه بودیم. پس از انقلاب اینگونه فعالیتها برای ما بسته شده است و عمدتاً کارهای سیاسی جلوی این کارها را گرفته است.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۱)

در واقع؛ پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر این گسست، شرایط جدیدی را در خصوص رابطه حوزه و دانشگاه ایجاد کرد. جلسات فرهنگی و فکری میان حوزویان و دانشگاهیان پیش از پیروزی انقلاب که در آن مجالس، مباحث دینی طرح می‌شد، از بین رفت و به شکلهای اداری و قالبی بسنده شد. ایجاد نهاد نمایندگی امام(ره) در دانشگاهها و راه‌اندازی دروس معارف اسلامی، پس از بازگشایی مجدد دانشگاهها، موجب حضور رسمی و اداری روحانیان در دانشگاهها شد. حضور کمی و اداری روحانیون در دانشگاهها افزون شد و توسعه یافت.

در واقع؛ ضعف و بی‌برنامگی در ارتباط حوزه و دانشگاه و بسنده کردن به یک فرد یا نهاد حوزوی، موجب شد از مجموعه نیروهای قابل استفاده در حوزهها، آنچنان که باید و شاید بهره مناسب گرفته نشود.

از سوی دیگر، پاسداشت روز ۲۷ آذر، سالگرد شهادت آیت‌الله دکتر محمد مفتاح به عنوان روز وحدت حوزه و دانشگاه، به صورت یک سنت جاری، موجب تشکیل و رواج سمینارها و مجامع حوزوی و دانشگاهی شد که دستاورد آنها جز صدور قطعنامه‌هایی تکراری، چیزی نبود. همه ساله این سنت ادامه یافت و اقوال پیشین با اصطلاحات و عبارات نوین مکرر می‌شد و تکرارها انبوه می‌گشت، اما راهی هموار را نشان نمی‌داد و گامی فراپیش نمی‌نهاد.

حق آن است که وحدت دو نهاد و تعامل آن دو با یکدیگر، به کوشش عالمانه طرفین نیازمند است. باید این اندیشه و باور در اذهان افراد هر دو نهاد علمی ترویج شود که تکمیل و تقویت هر یک از این دو نهاد، جز با بهره‌وری اصولی و نه سیاسی از دستاوردها، تجربیات و مزایای هر کدام از این دو نهاد علمی از دیگری، امکان‌پذیر نیست. گفتنی است که اگر این بهره‌وری با نگرشی سیاسی کارانه باشد، خطای بزرگ، ناروا و راهبردی است. مقام معظم رهبری از این مطلب چنین یاد می‌کنند: «اگر چنانچه روحانی، برای جلب دل جوانهایی که یک قشر وسیعی هستند، دم از وحدت بزنند و دانشگاهی برای اینکه توی این نظام که دین و دینداری هست، درست جا بیفتند، دم از ولایت فقیه و اینها بزنند، سیاست‌بازی اگر قرار باشد این جا انجام بگیرد، هیچ فایده‌ای ندارد». (خامنه‌ای، ۱۳۶۲)

پس بهره‌وری و فایده‌رسانی هر کدام از این دو نهاد، در گرو تعامل سازنده، مشارکت عالمانه و ارتباط پویا با یکدیگر است و چه زیبا فرمودند حضرت امام خمینی (ره): «اگر از هم جدا بشوید، نه اینها از شان کاری می‌آید نه شما». (امام خمینی، بی‌تا، ج ۹: ۴۴-۴۳)

الحاق واحدهایی با عنوان معارف اسلامی به دروس عمومی، جدی‌ترین کاری بوده که برای تبلیغ دیانت در نظام علمی دانشگاهی انجام شده است. در همین رابطه، نکات ظریفی وجود دارد که در جای خود باید به آنها پرداخت. از یک سو، توان نیروهای دانشگاهی آن زمان، برای ایفای درست این نقش، ناکارآمد بود و هم از این رو، حوزه با تربیت و تأمین این نیروها در محیط دانشگاه، وارد دانشگاه شد. از سوی دیگر، این حضور که با اقتدار انجام شد، نتوانست در بدو امر در جایگاه اصلی خود قرار بگیرد و تعریف مشخص و رابطه‌ای منطقی و علمی در نظام دانشگاهی پیدا کند! در نتیجه، تنها به صورت حضور فیزیکی مسیر خود را طی کرده است.

با همین دیدگاه، مقام معظم رهبری چند سال پیش در این خصوص چنین هشدار داده‌اند: «ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبناى غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقایق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفتهای دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبناى قرآنی باشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸)

ج) انتشارات فعال در حوزه علوم انسانی اسلامی بعد از انقلاب اسلامی

۱. فرهنگستان علوم اسلامی قم

فرهنگستان علوم اسلامی قم، مؤسسه‌ای علمی، پژوهشی و مذهبی است که بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۹ در راستای حرکت در جهت جنبش نرم‌افزاری در تولید علم، توسط علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی در شهر قم تأسیس شد. این مؤسسه در زمینه نظریه‌پردازی در تولید علم دینی فعال است و تاکنون ایده‌های جدیدی را در این زمینه ارائه کرده است. بعد از مرگ علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی در سال ۱۳۷۹، سید محمد مهدی میرباقری مسئولیت این فرهنگستان را عهده‌دار شده است.

۲. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخچه و پیشینه علوم انسانی اسلامی در ایران بعد از انقلاب اسلامی ♦ ۱۳

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۶۱ با نام اولیه «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» و به منظور اجرای طرح مقدماتی «بازسازی علوم انسانی» تأسیس شد. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم این طرح را در پی درخواست ستاد انقلاب فرهنگی تهیه کرد و پس از تصویب ستاد، طرح به تأیید حضرت امام خمینی (ره) رسید. سال ۱۳۶۹ و در پی یک دوره فعالیت موفقیت آمیز، «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» رسماً به عنوان یکی از نهادهای همکار با «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» (سمت) در آمد.

در سال ۱۳۷۷ پس از ۹ سال همکاری نزدیک با سازمان سمت، به دلیل توفیق قابل توجه در پژوهش و تولید کتابها و آثار علمی بایسته، با تصویب شورای گسترش آموزش عالی، با نام «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» و به عنوان یکی از مراکز آموزش عالی پژوهشی کشور، به جمع مؤسسات زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیوست. سال ۱۳۸۲ نیز پس از یک دوره کوتاه و پربار دیگر از فعالیتهای پژوهشی و تولید آثار علمی، «پژوهشکده» به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت و در سال ۱۳۸۳ به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تبدیل شد.

سازمان انتشارات این پژوهشگاه، کتابهای بسیاری را درباره علوم انسانی اسلامی منتشر کرده است. (تارنمای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

۳. انتشارات سمت

از آنجا که انقلاب اسلامی ما، در بن و بنیاد انقلابی فرهنگی است و در انقلاب فرهنگی، سهم عمده بر عهده علوم انسانی است، در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۷ در سیزدهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی - که جایگزین ستاد انقلاب فرهنگی بود - موضوع تأسیس سازمانی مستقل به نام «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» (سمت) به لحاظ اهمیت به تصویب رسید، با این هدف که در زمینه علوم انسانی - به ویژه از نظر پیوند آنها با مسائل اسلامی - به تدوین کتب مبنایی - از قبیل مبانی اقتصاد اسلامی، مبانی حقوق اسلامی، سیاست اسلامی، فلسفه سیاست و ... - و نیز کتب درسی برای دانشگاهها پردازد. (تارنمای انتشارات سمت). هدف این سازمان، تألیف کتابهای علوم انسانی و نیز متون زبانهای تخصصی همه رشته‌ها برای دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور است.

انتشارات سمت از سال ۱۳۸۲، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» را نیز تأسیس کرده است که در قالب ۱۰ گروه پژوهشی زبان‌شناسی و ادبیات فارسی، زبان خارجی، علوم اجتماعی، حقوق و علوم سیاسی، هنر، مدیریت، اقتصاد و حسابداری، علوم رفتاری، تاریخ، جغرافیا، فلسفه و الهیات به تحقیق مشغولند و به تألیف یا ترجمه کتابهای انتشارات کمک می‌کنند. با این حال، کتابهای منتشر شده در انتشارات سمت، گاهی با انتقاد کسانی که معتقدند هنوز علوم انسانی در ایران اسلامی نشده، مواجه است. منتقدان می‌گویند تألیف برخی از کتابها با کیفیت مطلوبی انجام نشده یا برخی از کتابهای این انتشارات، ترجمه کتابهای علوم انسانی غربی است. گاهی هم گفته می‌شود چون علوم انسانی مطلوب با انگاره‌های اسلامی در کشور چندان تولید نشده، انتشارات سمت یا هیچ انتشارات دیگری نیز نمی‌تواند متن شایسته علوم انسانی اسلامی را تألیف کند.

۴. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در تارنمای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی آمده است: «در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، و استقرار نظامی بر اساس ارزشهای معنوی و احکام الهی در ایران، بار دیگر تفکر دینی به عنوان اندیشه‌ای امیدزا، حیات‌بخش و مترقی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد.

«تجدید حیات اندیشه و حیانی و ارزشهای معنوی، از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلکها و مکاتب بشرپرداخته و نظامهای استوار بر آنها شد.

«بایستگی تحقیقات دقیق، جامع و منسجم، پیرامون زیرساختهای اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخور شرایط کنونی و در خور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشتهای دینی، به منظور تبیین عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی-پژوهشی و آموزشی ممحص و کارامدی را فرض می‌نمود.

«پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، نهادی است علمی-فکری، دارای مجوز رسمی و شخصیت حقوقی مستقل و در حکم دستگاه عمومی که حسب الامر مقام معظم رهبری (دام ظلّه الوارف) در سال ۱۳۷۳ تأسیس شده است».

۵. پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها)

در تارنمای این پژوهشگاه آمده است: «حضور مباحث جدید دین پژوهشی در جامعه علمی (فلسفه دین، کلام جدید، معرفت شناسی دینی، جامعه شناسی دین، روان شناسی دین، پدیدارشناسی دین و ...)، ارتقای سطح دانش و بینش دانشگاهیان و به خصوص دانشجویان به دلیل قرار گرفتن در مسیر تندباد مباحث جدید دینی و فرهنگی و افزون شدن سطح انتظارات ایشان از اساتید درس معارف و متولیان امر فرهنگ دینی، از جمله نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و تو در تو شدن تهاجم فرهنگی، دشواری سخن گفتن از دین در راستای تبیین، تثبیت، دفاع و تبلیغ از دین را دوچندان کرده است. از این رو، ضرورت ساختارهای علمی جدید و به کارگیری روشهای نوین تحقیق و تبلیغ ضروری می نماید».

همچنین، دانشگاههایی که پس از انقلاب برای تلفیق علوم انسانی و اسلامی به وجود آمدند، مانند دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه مفید یا دانشگاه باقرالعلوم، در زمینه تألیف کتابهای علوم انسانی اسلامی فعالیتهایی را انجام داده اند.

حوزه علمی قم نیز انجمنهایی مانند انجمن اقتصاد اسلامی، انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، انجمن حقوق اسلامی، انجمن روان شناسی اسلامی، انجمن مدیریت اسلامی، انجمن مطالعات اجتماعی و انجمن مطالعات علوم سیاسی دارد که گاهی در زمینه تولید متن مورد نیاز رشته علوم انسانی فعالیت می کنند. به علاوه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی یا مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی نیز کتابهایی را با عناوین علوم انسانی اسلامی منتشر می کنند.

۶. کتابهای منتشر شده در حوزه علوم انسانی اسلامی

طی سال‌های پس از انقلاب، کتاب‌های بسیاری درباره علوم انسانی از منظر اسلامی نوشته شده و در سال‌های اخیر که بحث اسلامی کردن علوم انسانی مورد توجه بیشتری قرار گرفته، شمار آنها نیز افزایش یافته است.

تا دهه ۱۳۳۰ شمسی، فلسفه در حوزه علمیه با استقبال استادان مواجه نمی‌شد و بسیاری از استادان، فلسفه را نوعی علم جدید می‌دانستند که نباید به حوزه‌ها راه پیدا کند. اما در همان سالها، استادانی فلسفه را به حوزه بردند و به تدریس مشغول شدند تا اینکه اکنون، آموزش حکمت و فلسفه اسلامی در حوزه‌های علمیه، امری کاملاً عادی محسوب می‌شود.

برخی از رشته‌های علوم انسانی مثل فلسفه و حقوق، خیلی زودتر از دروسی مثل مدیریت یا روان‌شناسی، میان اندیشمندان اسلامی مورد بحث قرار گرفتند و کتابهای زیادی درباره آنها تولید شد. حتی مطالعات و کتابهایی که در حقوق نگاشته شده، در زمینه عمل نیز به قانون مجازاتهای اسلامی منجر شده که در حال حاضر، در دادگاههای کشور در کنار قانون مدنی اجرا می‌شود.

در موضوع روان‌شناسی، به تدریج فعالیت‌هایی برای توجه به روان‌شناسی و تعلیم و تربیت اسلامی در مقابل روان‌شناسی و علوم تربیتی غربی شکل گرفته، اجتماع معنوی را مبنای سلامت روانی می‌دانند و شخصیت سالم را در قالب سه رابطه سالم و سازگار فرد با خداوند، خویش و دیگران تعریف می‌کنند که رابطه فرد با خداوند، وحدت‌بخش و انسجام‌دهنده جنبه‌های مختلف وجودی اوست. به تبع همین تعریف، نیازهای معنوی در سلامت روانی و نقش اعتقادات و رفتارهای دینی در بهداشت روانی و نیز عوامل محل سلامت روانی، از جمله گناه، در روان‌شناسی اسلامی بررسی می‌شود. در سالهای پس از انقلاب اسلامی، کتابهایی مانند «آموزش و پرورش بر مبنای روان‌شناسی و روان‌کاوی اسلامی»، «بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی اسلامی»، «روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی» یا «روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی» تألیف یا ترجمه شده است که می‌توان با این عناوین، تنوع مطالب در زمینه روان‌شناسی دینی را تا حدی احساس کرد.

در نگاه از زاویه اسلامی به علم حقوق، با اینکه خیلی زودتر فعالیتهایی صورت گرفت، اما تقریباً تمام این فعالیتها درباره کلیات حقوق از منظر اسلامی بود. به تدریج، در سالهای پس از

تاریخچه و پیشینه علوم انسانی اسلامی در ایران بعد از انقلاب اسلامی ♦ ۱۷

انقلاب، کتابهایی با موضوعات ویژه درباره مسائل حقوق نگاشته شد تا مباحثی مانند حقوق بین‌الملل یا حقوق خصوصی را شامل شود.

علم سیاست نیز در برخی زمینه‌ها از دیدرس پژوهشگران اسلامی دور نمانده است. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چند کتاب در این زمینه چاپ کرده است؛ از جمله: «جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران»، «روحانیت و سیاست: مسائل و پیامدها»، «دانش سیاسی در حوزه علمیه قم»، «ساختار حکومت در اسلام»، «اصول تفکر سیاسی در قرآن»، «اندیشه سیاسی متفکران اسلامی» یا «فقه سیاسی شیعه (سازوکارهای تحول در دوران معاصر)». این متون و نیز متونی که در سایر نهادهای متولی علوم انسانی اسلامی منتشر شده است، نشان می‌دهد که در علم سیاست اسلامی، کارهای فراوانی انجام شده است. در واقع؛ تقریباً تمام متون مربوط به اندیشه سیاسی اسلامی به جز چند استثنا مانند «تنبیه الامه و تنزیه المله»، در دوران پس از انقلاب اسلامی نوشته شده‌اند. (ارکان‌زاده یزدی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۴)

د) پیشینه و پشتوانه نظری علوم انسانی اسلامی

به غیر از مطالعاتی که در دوره متقدم در میان مسلمین درباره مباحث علوم انسانی صورت گرفته، در دوره معاصر و متأخر باید از فعالیتهای علمی ذیل نام برد که در جامعه علمی ایران به انجام رسیده است:

۱. تولیدات محققان لایه اول (قله‌های علمی) مشتمل بر: علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه مرتضی مطهری، علامه محمدتقی جعفری، علامه محمدتقی مصباح یزدی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی.

۲. تولیدات محققان لایه دوم مشتمل بر: حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر رشاد، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا، دکتر حسین کچویان، دکتر ابراهیم فیاض و شهید سید مرتضی آوینی.

ه) پیشینه و پشتوانه ساختاری علوم انسانی اسلامی

مراکز علمی و مؤسسات پژوهشی بسیاری در جامعه ایران، در قلمرو تولید علوم انسانی اسلامی فعالیت می‌کنند یا علاقه‌مند به تلاش و تکاپوی نظری در این راستا هستند که برخی از آنها عبارتند از:

- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)؛
- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه(پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)؛
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛
- دانشگاه جامع و پاسداری امام حسین(ع)؛
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها؛
- پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی؛
- پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی(وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها)؛
- فرهنگستان علوم اسلامی قم؛
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی(نور).

نتیجه‌گیری

پیام مهم انقلاب اسلامی، نجات انسان است که ریشه در مکتب اسلام دارد. به طور کلی ادیان آسمانی برای نجات انسان از بندگی غیر خدا آمده‌اند؛ زیرا انسانیت انسان را در بندگی خدا می‌دانند.

با شکل‌گیری حکومت اسلامی و احیای اسلام ناب محمدی(ص) به وسیله بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی(ره)، این نظریه که «دین اسلام می‌تواند با استفاده از منابع غنی و اصول مترقی خود پاسخگوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد»، مطرح و تقویت شد؛ در حالی که دنیای غیر دینی امروز، به ویژه غرب، چنین شأنی را تنها برای علم، به ویژه علوم انسانی، قائل بوده و سرنوشت انسان را یکجا به علم سپرده است.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در راستای توصیه‌های امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، نهادهای مختلفی تأسیس شدند و مسئولیت خطیر انطباق علوم انسانی با آموزه‌های اسلامی را برعهده گرفتند. از جمله این نهادها می‌توان به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت)، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، فرهنگستان علوم اسلامی قم و... اشاره کرد که تلاشهای گسترده‌ای را از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون انجام داده‌اند تا بتوانند علوم انسانی غربی را با آموزه‌های اسلامی منطبق سازند. اما اقدامات این نهادها که در بدنه اصلی پژوهش به آن اشاره شد، به دلایل مختلف نتوانسته است انتظارات مقام معظم رهبری را برآورده کند؛ چرا که این تلاشها به صورت ریشه‌ای تأثیرگذار نبوده است. امید است در آینده، تلاشهای نهادهای مرتبط با علوم انسانی اسلامی به ثمر بنشیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ارکان‌زاده یزدی، سعید (۱۳۹۱). «موج دوم تلاش برای دستیابی به علوم انسانی اسلامی». پرونده ماه، ش ۵۵: ۲۷-۲۴.
- امام خمینی، سید روح‌الله (بی تا). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری) (۱۳۶۱). «مصاحبه با مقام معظم رهبری». دانشگاه انقلاب، ش ۱۰ (فروردین).
- خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری) (۱۳۶۲). روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۴.
- خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری) (۱۳۸۸). «بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور». ۱۳۸۸/۰۷/۲۸.
- کیهان، (۱۳۶۰). «مصاحبه با وزیر وقت». روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۱۰/۱۳.
- تارنمای انتشارات سمت: www.samt.ac.ir
- تارنمای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: www.iict.ac.ir
- تارنمای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: www.rihu.ac.ir
- تارنمای پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی: www.pfmi.ir